

# استراتژی رنسانس توسعه روستایی و خط‌مشی‌های اساسی آن

مهندس علیقلی حیدری

کارشناس ارشد مدیریت مطالعات و بررسیها  
معاونت ترویج و مشارکت مردمی

## ● مقدمه

در فرهنگ دهخدا توسعه، به معنی فراخی و وسعت آمده است. در زمینه مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، توسعه؛ معانی دشوار پیچیده و لغزنده‌ای دارد. به علاوه، از دیدگاه متخصصان مختلف، معانی متنوع و ویژه‌ای به خود می‌گیرد. از این رو، گفته‌اند: که توسعه، یک کلمه گمراه کننده می‌باشد. توسعه در جوامع مختلف، مخصوصاً از نظر ابعاد

انسانی، معانی مختلفی پیدا می‌کند. پیچیدگی تعریف توسعه، وقتی به حداعلای خود می‌رسد که آن را با کلمات و مفاهیم پیچیده اقتصادی و اجتماعی و انسانی همراه کنیم و مثلاً بگوییم؛ توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یک جامعه یا کشور، در این صورت تعریف مشکل تر می‌شود. چون علم اقتصاد، جامعه‌شناسی و فرهنگ، به تنهایی دارای معانی مختلفی بوده و تعاریف متعددی از آنها ارائه گردیده

است. بنابراین، تعریف و برداشت واحدی در این زمینه وجود ندارد. (۷، ص ۱۵)  
در ابتدا، قبل از پرداختن به محور اصلی مقاله که همان "خط‌مشی‌های اساسی استراتژی رنسانس روستایی" می‌باشد، لازم است، مفاهیم مهم و کلیدی از جمله: استراتژی، خط‌مشی، توسعه روستایی و ارتباط آن با توسعه کشاورزی به اجمال تعریف شود، تا برداشت واحدی در این زمینه‌ها صورت پذیرد.

## ● مفهوم استراتژی

استراتژی، در لغت به معنای علم سوق‌الجیشی یا اداره ماهرانه امور، در جریان نیل به هدف و نیز روش هدایت عملیات ویژه آن امور است و مفهوم آن این‌گونه تعریف می‌شود:

«استراتژی یا راهبرد، به عنوان معادل فارسی آن، کلاً به مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های عمومی که راه و روش نیل به هدفهای نهایی را معلوم و مشخص می‌نماید، اطلاق می‌گردد. در برنامه‌ریزی استراتژیک، دورنمای وضع مطلوب، طراحی می‌شود و به تصویر درمی‌آید. لذا، برای آگاهی از وضع مطلوب آتی، هر برنامه عمرانی در قالب برنامه‌های استراتژیک تهیه و تنظیم می‌گردد.

بدین ترتیب، استراتژی به کلیه شیوه‌ها و خط‌مشی‌های ثابت، که آغاز و انجام آنها، نیل به هدفهای نهایی را میسر می‌سازد، گفته می‌شود. به بیانی دیگر، استراتژی عبارت است از اهداف

یکپارچه، منسجم، جامع و بلند مدت. (۹، ص ۱۱۰ - ۱۰۹)

## ● مفهوم خط‌مشی

خط و مشی در لغت به معنای طریقه و روش کار آمده است و مفهوم آن این‌گونه تعریف می‌شود:

- بیان اهداف، مقاصد و اصولی که راهنمای عمل مدیران در تصمیم‌گیری است و آنان را در جریانی از عملیات و هدفها متعهد می‌نماید.

- مقررات کلی که حدود اعمال و تصمیمات اجرایی را به منظور نیل به اهداف مشخص تعیین می‌نماید.

- سیاستهای کلی که از جانب مقامات عالی‌الخذ شود و حدود و مرز را مقرر می‌دارد که تصمیمات در حدود آن اتخاذ شود. (۱۳، ص ۸۷ - ۸۶)

بنابراین، استراتژی در راستای حرکت یا خطوط کلان را برای رسیدن به هدف ترسیم می‌نماید. ولی

خط‌مشی‌ها در دل استراتژیهای مختلف، شیوه عمل، اصول کار، حد و مرزها و مقرراتی که باید اعمال شوند را نشان می‌دهند.

## ● مفهوم توسعه

توسعه همان رشد اقتصادی نیست، زیرا که توسعه جریانی چند بعدی است که در حود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختهای نهادی، اجتماعی و اداری و همچنین دستیارها و وجه نظرهای عموم مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می‌گیرد (۳، ص ۱۱۵)

## ● مفهوم توسعه یا عمران روستایی

توسعه روستایی راهبردی است که به منظور

بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروهی خاص از مردم (روستاییان)، طراحی شده است. هدف اصلی توسعه روستایی، باید توانا ساختن توده‌های جمعیت روستایی باشد، که اکنون نمی‌توانند با تلاشهای خودشان نیازهای اساسی زندگی انسانی را برآورده سازند. توسعه روستایی، دیگر نمی‌تواند، یک حرکت ناقص، نسبی و مبهم باشد؛ بلکه باید تلاشی کلی و همه‌جانبه، فراگیر و مداوم و برانگیزنده فعالیت فعلی، منطبق با حجم و عمق خود شکل باشد. توسعه روستایی دیگر بیش از این نمی‌تواند، به عنوان تلاش منفرد که در بعضی جوامع عقب افتاده و روستایی، آن هم به دلایلی ملی انجام می‌گیرد، تلقی شود. (۱۴ ص ۷۳)

هدف از توسعه روستایی صرفاً تحول وضعیت و شرایط روستاها از نظر اقتصادی نیست، بلکه، توسعه متعادل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق روستایی و نواحی مشخص را همراه با توجه خاص به حداکثر بهره‌برداری از منابع محلی و توزیع عادلانه‌تر و گسترده‌تر منافع ناشی از توسعه، دنبال می‌کند، برای دستیابی به این هدف، در تعیین مجدد اولویتها در فرآیند توسعه باید عمده‌تأثیرهای اکثریت مردمی را در نظر گرفت، که خارج از شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و بخش بزرگی از آنها در شرایط فقر مطلق یا نسبی به سر می‌برند (روستا و توسعه ۵۴ - ۵۳)

## ● مفهوم توسعه کشاورزی و ارتباط آن با توسعه روستایی

مفهوم توسعه کشاورزی: توسعه کشاورزی، دستاورد یک سلسله فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده مرتبط و هماهنگ، به منظور اعمال تغییرات و تحولات مطلوب، برای وسعت بخشیدن به زمینه‌ها، گسترش دامنه فعالیتها، بسط امور و افزایش عملکردها، در قالب برنامه‌های جامع توسعه اقتصادی و اجتماعی است. (۹، ص ۹)

سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که این دو چه ارتباطی با هم دارند؟ در پاسخ باید گفت: توسعه روستایی، بدون توسعه کشاورزی، تحقق نخواهد یافت و توسعه کشاورزی نیز بدون توسعه همه‌جانبه روستایی، به نتایج مطلوب نخواهد رسید.

زیرا این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. از یک طرف، درصد قابل توجهی از روستاییان یا مستقیماً در بخش کشاورزی یا غیر مستقیم در صنایع وابسته به این بخش، اشتغال دارند. بنابراین بدون توجه به توسعه این بخش توسعه همه جانبه روستایی، چگونه قابل دسترسی خواهد بود؟ از طرف دیگر، اگر به توسعه کشاورزی بسنده کنیم و از توسعه همه جانبه روستایی غفلت نماییم، اولاً توسعه را تنها در بعد تولید و درآمد محصور نموده‌ایم، ثانیاً توسعه بدون توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، معنای خود را از دست می‌دهد. ثالثاً، اگر توسعه منجر به توزیع عادلانه ثروت حاصل از بهبود روشهای تولیدی و به عبارت دیگر منجر به عدالت اجتماعی نگردد، سودی به حال اکثریت روستاییان نخواهد داشت.

## ● استراتژی روستایی توسعه روستایی

براساس اختلاف برداشت‌هایی که در زمینه توسعه و توسعه عمران روستایی وجود دارد، استراتژیهای متفاوتی توسط کشورهای مختلف، برای تحقق توسعه، اتخاذ شده است. استراتژیهای اولیه، عمدتاً تک بعدی بوده و مهمترین عنصر توسعه، که همان انسان است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به همین دلیل، طولی نکشید که آثار شکست این استراتژیها، برای همگان روشن گشت.

اخیراً فعالیت‌های جدی و گسترده‌ای برای تعیین یک استراتژی مناسب، برای توسعه روستایی، شروع شده است، که با استفاده از تجربیات مثبت و منفی گذشته سعی می‌شود، مدلی ارائه شود که در حین داشتن تفاوت ماهوی با مدل‌های متعارف، از پایه‌های علمی منسجم برخوردار باشد. در اینجا به مهمترین مختصات این استراتژی و خط‌مشی‌های اساسی آن، به اختصار پرداخته می‌شود. (۴ منتشر نشده)

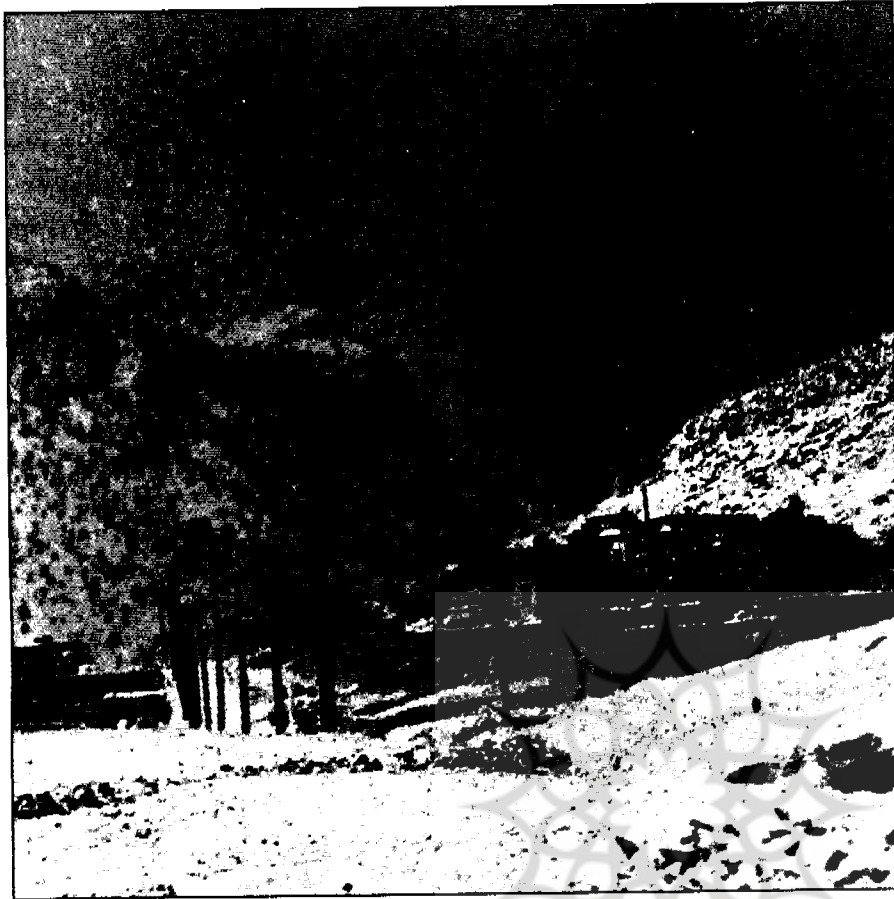
براساس این استراتژی هدف نهایی توسعه، باید انسان و تعالی همه جانبه او، هم از نظر مادی هم از نظر معنوی باشد. بنابراین معیار ارزیابی توسعه، باید بر این اساس باشد، که توسعه برای انسان چه می‌آورد. از مختصات دیگر توسعه، می‌توان به آ‌ز بین بردن از خودبینی‌گانی و بازگشت به خویش اشاره کرد. بدین معنی، که فرآیند توسعه، برای انسان بیگانه نباشد و

خود او از عوامل مهم توسعه باشد. اتکا به خود، یعنی اعتقاد و ایمان به تواناییها و ظرفیتهای خود، در تمام ابعاد زندگی و متکی بودن به خود در معنای عام آن نیز، از نشانه‌های توسعه می‌باشد. توسعه باید محور فعالیت‌های خود را در مناطق روستایی قرار دهد و انرژی و نیروی محرکه و روح حاکم بر فرآیند توسعه را از آنجا بگیرد. براساس این استراتژی توسعه و ترقی را نمی‌توان، از خارج به جوامع روستایی تزریق کرد، بلکه باید از درون اجتماعات بجوشد و مایه آن از اعماق اندیشه‌های روستاییان نشأت بگیرد. با توجه به این که این استراتژی توسعه روستایی را از ابعاد مختلف مورد توجه قرار داده است، بنابراین می‌تواند بعنوان مناسبترین استراتژی برای توسعه روستایی کشورمان مطرح باشد. البته این استراتژی در صورتی ما را به اهداف توسعه روستایی خواهد رساند (نزدیک خواهد کرد) که با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... حاکم بر روستاهای کشورمان، خط مشی‌های اساسی زیر، اتخاذگردند:

## ● خط و مشی‌های اساسی استراتژی روستایی توسعه روستایی

### ۱: توجه ویژه به آموزش به عنوان بنیان توسعه روستایی

فقر آموزشی در جوامع روستایی، منشاء تاریخی دارد. محرومیت‌های آموزشی، به عنوان هسته و مایه اولیه استضعاف فرهنگی، توسط بزرگ مالکان و عمال قدرتمند و متنفذ آنان، در هر عصر و زمان، به بطن و متن جوامع روستایی تحمیل شده و با رشدی مضاعف گسترش و استحکام یافته است. تا آنجایی که امروزه در آستانه ورود به قرن تعالی علوم و تکنولوژی، آثار ناشی از پدیده‌های دیرینه این محرومیت، هنوز هم شئون فرهنگی اعضای این جوامع را شدیداً متأثر و معلول ساخته است. مضاف بر علل و ریشه‌های تاریخی آنها، از جمله عوامل استمرار فقر فرهنگی در جوامع روستایی امروز وجود نابرابریهای مشهود، در ارائه خدمات عمومی و به ویژه خدمات فرهنگی و آموزشی به مردم روستائین، در مقایسه با مردم شهرنشین است. بنیانی‌ترین اقدام در این شرایط، برنامه‌ریزی بلند مدت برای حرکت به قصد ریشه‌کن



کردن علل و عوامل استضعاف فرهنگی و زدودن آثار سنتی آن، از جوامع روستایی است. (۹. ص ۳۹۳ - ۳۹۴)

در فرآیند توسعه روستایی، آموزش عبارت از جریان نظام یافته و هدفداری است، می‌باید به منظور رفع کمبودهای فرهنگی جامعه و ارتقای آموزشهای عمومی، فرهنگ تولید و دانش تخصصی آن هم در راستای تأمین اهداف توسعه، سازمان داده شود. (۵. ص ۳۵).

با آموزش مجموعه، اطلاعات معلومات و دانشهای پایه و کاربردی، در جریان آماده شدن فرد برای کسب الگوهای نوین رفتاری متشکل می‌گردد. با آموزش شالوده‌ قالبهای فکری و ذهنی فرد پی‌ریزی می‌شود و سامان می‌یابد. از این روست که گفته می‌شود، آموزش مبنای تغییر و تحول در الگوهای رفتار انسانی است. آموزش مقدمه و وسیله آغاز بلوغ فکری و تعمیق قدرت تفکر و تحلیلهای ذهنی در افراد می‌باشد و لذا اسباب استراتژیک تحول اجتماعی و توسعه اقتصادی و مآلاً سازندگی جامعه است.

در بحث کلی پیرامون مقوله آموزش روستاییان به موضوع بهره‌گیری از دو نظام آموزش رسمی و غیررسمی، مطرح می‌باشد. نظام آموزش رسمی، مبتنی بر سواد آموزی، تعلیمات عمومی، تعلیمات اساسی، آموزش علوم پایه و دانشهای عمومی و مهارتهای کاربردی است، که عمدتاً در قالب تشکیلات منسجم و برنامه‌ریزی رسمی، در مدارس ابتدایی، راهنمایی و کلاسهای سوادآموزی و ... در سنین و زمانهای معین، برای ارائه به نوآموزان و دانش آموزان جوان سال و داوطلبان بزرگسال تدارک دیده می‌شود. آموزشهای رسمی، زمینه ساز و عامل سرعت بخش یادگیری هستند. در حالی که این آموزشها به طور منحصر و مجرد برای توسعه کافی نمی‌باشند. آموزشهای غیررسمی، همواره به عنوان لازمه تحول و توسعه مورد توجه بوده و هستند. متن و محتوای این آموزشها، شامل: معلومات و مهارتهایی است که انسان در تمام طول حیات خود می‌تواند و می‌باید، از منابع گوناگون و در فرصتهای مختلف و به روشهای متنوع، کسب نماید (از زمینه‌های مهم آموزش مورد نیاز روستاییان، می‌توان به آموزشهای حرفه‌ای،

اجتماعی، سیاسی و مذهبی اشاره کرد). نظامهای آموزش غیررسمی مقید به رعایت هیچ یک از شرایط و ضوابط متداول در دوره‌های هریک از واحدهای آموزش رسمی نمی‌باشد، از این رو، عمدتاً فاقد تشکیل رسمی، برنامه مدون و پایدار و الزامات زمانی و سنی مطلوب، برای حضور داوطلبان در دوره‌های آموزشی هستند. آموزشهای ترویجی، بارزترین نمونه از نظام آموزش غیررسمی برای روستاییان می‌باشد. ترویج نشر و اشاعه است و اصالتاً یک فعالیت آموزشی از طریق مبادله معلومات و اطلاعات بین آموزشگران (مروجان) و آموزشگرایان (روستاییان) می‌باشد. ترویج آموزش دادن و کمک به روستاییان، برای تفکر به منظور پرورش یک روحیه جستجوگرانه و قرار گرفتن در مسیر تحول و توسعه است.

ترویج آموزش مستمر است. ترویج یک مکتب آموزشی مبتنی بر تکامل فرد است و فلسفه آن بر سه رکن آموزش خودیاری و همیاری استوار می‌باشد. ترویج فرد را پرورش می‌دهد که خود برپای خویش استوار و متکی و خودیار می‌باشد و سرانجام او را

پرورش می‌دهد، تا به یاری دیگران همت گمارد و همیار باشد.

بدین ترتیب آموزشهای ترویجی، در بین جوامع روستایی در جهان سوم، در حکم پیش نیاز هریک از برنامه‌های توسعه روستایی و در عین حال نیاز هم‌زمان و توأم با اجرای هریک از طرحهای عملیاتی در فرآیند توسعه می‌باشد و همچنین مناسب‌ترین رهیافت، به منظور تأمین آموزشهای مستمر، برای اعضای جوامع روستایی و به ویژه بزرگسالان است. به مختصر کلام این که: "آموزش بنیان توسعه روستایی و ترویج مکتب تحقق آن است". این اولین و آخرین راهبرد و برنامه جامع، برای توسعه در کشورهای جهان سوم می‌باشد. (۹. ص ۳۹۶ الی ۴۰۷).

یکی از نارساییهای عمده نظام آموزشی کشورمان، به ویژه در نظام آموزشهای رسمی، تاکید زیاد بر روشهای یکسویه و ذخیره‌ای و عدم توجه کافی و تبادل اطلاعات و روشهای دو جانبه می‌باشد. بنابراین تنها آموزشی می‌تواند به عنوان بنیان توسعه روستایی عمل نماید که روستاییان به عنوان عنصر

فعال در فرآیند آموزش، مشارکت داشته باشند.

۲: توجه ویژه به توسعه پایدار و کشاورزی پایدار از طریق نظام ترویج

توسعه پایدار جزئی جدانشدنی در واژه‌شناسی توسعه شده است. درک فزاینده‌ای وجود دارد که رشد اقتصادی ضرورتاً به طور خودکار، نه به بهبود زندگی از نظر دستیابی به عدالت اجتماعی می‌انجامد و نه به حفاظت محیط زیست. در واقع، بسیاری از منتقدان نشان داده‌اند که رشد اقتصادی سبب بهره‌کشی از مردم و محیط شده است. البته در بسیاری از نقاط دنیا، بهبود سطح زندگی همراه با رشد اقتصادی بوده است. بنابراین رشد اقتصادی می‌تواند، همزمان هم شکل و هم راه با بهبود سطح زندگی باشد. زمانی که مفهوم توسعه پایدار را مورد بررسی قرار می‌دهیم، این تضاد آشکارتر می‌شود. توسعه پایدار توسط کمیسیون برنتلند، چنین تعریف شده است: توسعه‌ای که در جهت رفع نیازهای نسل کنونی است، بدون این که توانایی‌های نسل‌های آینده را در رفع نیازهایشان کاهش دهد. توسعه پایدار در بردارنده ایده تغییر روابط بین مردم و بین انسان و طبیعت (هم‌اکنون و در طول زمان) می‌باشد. امروزه مسأله توسعه پایدار در کشاورزی، هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، مورد توجه می‌باشد. (۱۱، ص ۲۴۴ - ۲۴۳)

کشاورزی پایدار، به وضع بایئات در دنیای کشاورزی اطلاق می‌شود که بر مبنای آن، اهداف تولید کشاورزی تغییر می‌نماید. یعنی هدف کشاورزی، دیگر مانند کشاورزی صنعتی، به حداکثر رساندن سود و درآمد نیست و در عوض، اهداف تولید براساس به کارگیری فرآیندهای طبیعی، از جمله ایجاد تنوع، عدم تمرکز، در تولید و توزیع محصولات کشاورزی، چرخه سواد، عدم استفاده بی‌رویه از مواد شیمیایی تعیین می‌شود. (۷، ص ۳۱۴)

نظام ترویج کشاورزی، به عنوان یک اطلاع رسانی، نقشی اساسی در ایجاد آگاهی نسبت به ضرورت کشاورزی و تغییر در گرایشات زارعان در این زمینه دارد. بنابراین ایجاد فرهنگ کشاورزی پایدار و توسعه پایدار از وظایف مهم نظام ترویج است. البته

● متأسفانه باید اعتراف کنیم، که در کشورهای جهان سوم از جمله کشورمان ایران مشارکت و دخالت مردم به معنای کمکهای مالی و در اختیار گذاشتن نیروهای کار تعبیر شده است و در همین راستا، انتظاری که از روستاییان در برنامه‌های توسعه می‌رود و در کمک به اجرای برنامه‌های طراحی شده از بالاست. بنابراین مهمترین بعد مشارکت و دخالت مردم که همانا مشارکت در تصمیم‌گیری است، به فراموشی سپرده شده است.

مسأله‌ای که نظامهای ترویج، باید خود را آماده رویارویی با آن کنند، این است که به طور کلی کشاورزان حاضر نیستند سوددهی اقتصادی را فدای استانداردهای بالاتر زیست محیطی کنند. بنابراین، چالشهایی که ترویج، پژوهش و سیاست‌گذاران، با آن روبه رو هستند، در برگیرنده:

۱ - توسعه نظامهای زراعی است که هم از نظر اقتصادی برای خانوارهای زارع و هم از نظر محیطی برای اجتماع، در طول زمان ناپایدار باشند.

۲ - سیاست‌گذاریهایی است که انگیزه‌های اقتصادی لازم را برای زارعان، در پذیرش نظامهای محیطی پایدارتر، بوجود آورد. (۱۱، ص ۲۴۶)

۳: توجه ویژه به توسعه یکپارچه روستایی در قالب برنامه‌ریزی منطقه‌ای

در اقتصاد ملی به طور مرسوم از نظم مکانی با مرکزیت قراردادن مناطقی با وسعت‌های مختلف و روایند واحدهای جزئی‌تر آن، جهت تمرکز فعالیتها استفاده می‌شود. با عنایت به این که کشورمان بیش از سه میلیون واحد بهره‌برداری دارد که در فریب هفتاد هزار آبادی پراکنده‌اند و بیش از ۸۰ درصد آنها، جمعیتی کمتر از ۵۰۰ نفر یا ۱۰۰ خانوار در آن زندگی می‌کنند. بنابراین این جمعیت کم نمی‌توانند، پایه‌ای برای سازماندهی کارایی قرار گیرند. برای این منظور نیاز به برنامه‌ریزی منطقه‌ای، کاملاً محسوس است که از روی اطلاعات اقتصادی - اجتماعی جمع‌آوری شده

و از روی مطالعات دقیق امکانات واقعی، منابع محلی، بازارهای محلی، میزان و کیفیت نیروی انسانی برای توسعه مراکز، در سطوح مختلف طرح‌ریزی می‌گردند. این نظام برنامه‌ریزی، باید با منظور نمودن یکسری شوق‌های اقتصادی انجام پذیرد. مانند پرداخت وام‌های کم بهره و کمکهای سرمایه‌ای حمایتی بلاعوض. در هر حال طرح ریزی مکانی توسعه با در نظر گرفتن اهمیت مرکزیتها و انتخاب مکانی مناسب بازارهای روستایی و ظرفیت فعالیت‌های آنان، می‌باید با چارچوب طرح اقتصاد ملی پیوند داشته باشند.

● عوامل مؤثر در نظم و توسعه مکانی روستا

۱ - توسعه زیرساخت روستایی پیشرو، به گونه‌ای طرح‌ریزی می‌گردد که امکانات برابر دسترسی از طریق راههای ارتباطی به طور متوسط و به صورت یکسان، از روستاها به مرکزیتها و مراکز بازار وجود داشته باشد. شاخص معمول آن نسبت کیلومتر مربع جاده به کیلومتر مربع زمین زیرکشت در منطقه است، که نسبت به شاخص میزان پیش‌بینی عرضه محصولات تولیدی به بازار، به تن برای هر کیلومتر مربع تصحیح می‌گردد.

۲ - وجود انبارهای ذخیره و کیفیت دسترسی: ضمن ایجاد و بالابردن ظرفیت انبارها، کیفیت دسترسی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر یکی از مشکلات عمده تولیدکنندگان در مناطق روستایی، محدود بودن تعداد و ظرفیت سردخانه‌ها و انبارهای نگهداری مواد تولیدی در این مناطق می‌باشد. به طوری که سالیانه، مقدار قابل ملاحظه‌ای از تولیدات کشاورزی از جمله سیب‌زمینی، پیاز، گوجه‌فرنگی، انواع میوه و ... به علت عدم دسترسی به انبارهای مناسب و هزینه‌های بالای حمل و نقل، فاسد می‌شود و از این بابت، خسارت هنگفتی بر تولیدکنندگان روستایی تحمیل می‌شود. بنابراین، هم پایین بودن ظرفیت سردخانه‌ها و انبارها و هم محل احداث آنها و دسترسی به این اماکن، محدود به عنوان دو مشکل عمده، پیش‌روی تولیدکنندگان روستایی قرار دارند.

۳ - ایجاد فرجه‌های دسترسی به سیستم

سراسری تولید، توزیع و مصرف: برای این کار لازم است، سازماندهی در شکل استقرار مراکز برای این گونه فعالیتها انجام پذیرد. اگر نیاز به ایجاد تعداد زیادی از این مراکز را بپذیریم، این سؤال پیش می‌آید که در چه مکانهایی باید ایجاد گردند؟ یا این که چگونه دولت، راجع به اولویت استقرار این مکانها باید تصمیم‌گیری نماید؟ در این مورد، اقتصاددانان معمولاً مشخصه‌های تکنیکی، از قبیل: محصولات که در منطقه تولید می‌گردند وضعیت موجود سیستم حمل و نقل دسترسی و وجود مؤسسات وام دهی و غیره را ملاک قرار می‌دهند. بدیهی است پاسخگویی به سؤال فوق، علاوه بر موارد ذکر شده، نیاز به مطالعات دقیق اقتصادی - اجتماعی در منطقه و به کارگیری مناسب‌ترین الگوهای مکان‌یابی براساس پتانسیلهای موجود در محل و اولویت‌بندی نیاز دارد (۲، ص ۴ - ۲).

#### ۴: دخالت (مشارکت) مردم به ویژه رهبران اجتماعی در برنامه‌های توسعه روستایی

ایراد و نقصی که به سیاستهای توسعه روستایی در گذشته نسبت داده شده است، بر این واقعیت است که چنین سیاستهایی به صورت دستورالعمل از بالا به پایین و جدا از هم بوده‌اند و در ایجاد شور و حرارت و نیز مشارکت دارای نقص و ضعف بوده‌اند. در عوض سیاستهای توسعه روستایی باید چند بخش و چند منظوره باشد و مشارکت‌کنندگان در برنامه‌ها را در تمام مراحل فرآیند تصمیم‌گیری دخالت داده، درگیر نمایند. نمایندگان بیرونی و سازمانهای دولتی باید به عنوان یک تسریع کننده (کاتالیزور) این فرآیند عمل نمایند و فقط هنگام نظارت، جهت دهی، هدایت و تصحیح و حمایت و آن هم در صورت لزوم، دخالت نمایند. به منظور توسعه رهبری اجتماعی و خود هوشیاری در میان جامعه روستایی، به طوری که بتوانند از تسهیلات ارائه شده توسط دولت، بهره‌برده و خوداتکایی و اطمینان به نقش و توانایی شخصی‌شان را افزایش دهند، پنج دستورالعمل توصیه می‌شود:

۱ - تاسیس مراکز توسعه منابع انسانی، در سطح بخش، به منظور تدارک انواع دوره‌های آموزشی، برای جوانان روستایی.

- ۲ - آموزش فشرده بزرگسالان (در زمینه‌های مشاغل، مباحث اجتماعی، سیاسی و مذهبی و ...)
- ۳ - توسعه دوره‌های پلی تکنیک کشاورزی، به منظور آموزش جنبه‌های عملی آموزش کشاورزی.
- ۴ - سازماندهی نیروهای داوطلب روستایی.
- ۵ - خدمات عمومی (۱۳)

متأسفانه باید اعتراف کنیم، که در کشورهای جهان سوم از جمله کشورمان ایران مشارکت و دخالت مردم به معنای کمکهای مالی و در اختیار گذاشتن نیروهای کار تعبیر شده است و در همین راستا، انتظاری که از روستاییان در برنامه‌های توسعه می‌رود و در کمک به اجرای برنامه‌های طراحی شده از بالاست. بنابراین مهمترین بعد مشارکت و دخالت مردم که همانا مشارکت در تصمیم‌گیری است، به فراموشی سپرده شده است. البته، مشارکت مردم و رهبران اجتماعی روستا، در برنامه‌های عمرانی و حل مشکلات منطقه‌ای، در فرهنگ روستاییان کشورمان جایگاه ویژه‌ای داشته است، که جا دارد این پشتوانه‌های فرهنگی، شناسایی و از طریق آموزش تقویت شوند، تا در مسیر توسعه روستایی با سرعت بیشتری بتوانیم گام برداریم. به طور کلی یکی از شرایط لازم و بسیار مهم برای تضمین ثبات در برنامه‌های توسعه روستایی پرورش توان رهبریت محلی است. این امر به لحاظ آن است، که موارد ناخواسته‌ای وجود دارد که بخاطر عدم توجه کافی به نقش مهم رهبران محلی موضوع ثبات تحولات، تنها در ذهن باقی می‌ماند و واقعیت پیدا نمی‌کند. در این رابطه، ترویج وظیفه دارد که استعدادهای محلی را به طور کامل بشناسد و به گونه‌ای تجهیز نماید، که حتی اگر سازمانهای بیرونی فعالیت خود را قطع نمایند، برنامه ادامه پیدا کند. (۵، ص ۴۹ - ۴۸)

#### ۵: فراهم کردن زمینه‌های ایجاد ترویج و توسعه تکنولوژی مناسب روستایی

به تعریف انجمن بین‌المللی اقتصادی، تکنولوژی مناسب، عبارت از: تکنولوژی که بیشترین امکان بهره‌گیری از منابع محلی را تأمین نماید و در اهداف توسعه اقتصادی - اجتماعی سهم و با ساخت اجتماعی - فرهنگی جامعه، منطبق باشد و موجب حفظ منابع اکولوژیکی گردد. علاوه بر موارد فوق، برای

- انتخاب تکنولوژی مناسب، شرایط زیر باید مهیا باشد:
- ۱ - در استراتژی توسعه کشور، توسعه کشاورزی و روستا، یکی از اهداف ویژه آن باشد.
- ۲ - در برنامه‌های رشد و توسعه کشاورزی و روستا، شرایط تحول تکنولوژیکی از نظر تحقیقاتی، آموزشی و نهادی فراهم شده باشد.
- ۳ - نهادهای لازم برای توسعه تکنولوژی روستایی استقرار یابند.
- ۴ - ارگانهای مسؤول مسائل کشاورزی و روستایی کشور، افراد لازم برای انجام تحقیقات آموزش و ترویج تکنولوژی مناسب روستایی را جذب نمایند.
- برای انتخاب تکنولوژی مناسب روستایی، علاوه بر فراهم بودن شرایط فوق، مراحل ذیل باید طی شود:
- الف) انجام تحقیقات در مورد شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها.
- ب) شناخت نیازها و کمبودهای روستاها، در زمینه‌های تولید کشاورزی، صنایع تبدیلی و روستایی و شرایط زندگی در روستاها.
- ج) تشخیص و تعیین تکنولوژی مناسبی که بتواند، نیازهای واقعی روستا را در رابطه با موارد ذکر شده در بند ب، تأمین نماید.
- د) ترویج تکنولوژی مناسب و ایجاد امکانات بهره‌برداری از آن توسط روستاییان از طریق ترویج، آموزش، تأمین اعتبار و ...
- ه) تحقیق درباره اثرات به کارگیری تکنولوژی و پذیرش آن توسط روستاییان
- و) بررسی تکنولوژی مناسب از نظر اقتصادی که آیا جنبه عرضه تکنولوژی مهم‌تر است یا تقاضا، یا هر دو؟ به عبارت دیگر، آیا شرایط پذیرش (تقاضا) وجود دارد، اما تکنولوژی مناسب عرضه نمی‌گردد یا بالعکس؟
- ز) تعیین استراتژی کلی توسعه تکنولوژی و معیارهای مناسب بودن تکنولوژی در ارتباط با ساخت اجتماعی - اقتصادی و انطباق آن بر اهداف کلی رشد و توسعه کشور، انطباق، پذیرش، قابلیت درک و شناخت تکنولوژی در روستا، اثرات آن بردارد، تولید اشتغال و توزیع ثروت. (۶، ص ۱۰ - ۷)
- سایر جنبه‌هایی که در انتخاب تکنولوژی



مناسب، باید مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از:

اول، فرصتهای اشتغال باید در مناطقی به وجود آیند که هم‌اکنون مردم در آن زندگی می‌کنند. و نه عمدتاً در کلان شهرها، که افراد متمایل به مهاجرت به آنها هستند.

دوم، این فرصتهای اشتغال باید به طور متوسط به اندازه کافی ارزان باشند، به طوری که بتوانند، در شماره‌های بزرگی به تعداد زیادی ایجاد شوند. بدون آنکه نیازمند سطحی از سرمایه‌گذاری و واردات باشند، که دور از دسترس افراد باشد.

سوم، روشهای تولید مورد استفاده باید نسبتاً ساده باشد، به طوری که تقاضا برای مهارتهای سطح بالا، نه تنها در خود فراگرد تولیدی، بلکه در مسائل مربوط به سازمان، تأمین مواد خام، تأمین اعتبارهای مالی، بازاریابی و غیره به حداقل کاهش پذیرد.

چهارم، تولید باید اساساً از مواد محلی استفاده کند و کلاً برای استفاده محلی انجام شود.

این چهار نیاز، تنها در صورتی قابل رفع است، که یک برداشت منطقه‌ای از توسعه داشته باشیم و نیز یک تلاش آگاهانه، برای گسترش و کاربرد آنچه «تکنولوژی متوسط» خوانده می‌شود، صورت پذیرد. (ص ۱۳۶)

به طور کلی در کشورهای در حال توسعه، سه مانع عمده، در راه استفاده از تکنولوژی مناسب، وجود دارد که باید اقدامات اساسی، برای رفع آنها صورت گیرد. این موانع عبارتند از:

۱- نارسایی ارتباطات و کمبود اطلاعات و دانش پیرامون آن.

۲- فقدان نظامهای تشویقی و محرکهای موجود در جهت مطلوب و توزیع نامتعادل درآمد، که باعث افزایش تقاضا برای محصولات تکنولوژی نامناسب و ناسازگار می‌شود.

۳- عدم توازن در هزینه‌های تحقیق و توسعه به ویژه مطالعه پیرامون تکنولوژی مناسب روستایی (ص ۲۹)

سأسفانه در کشور ما نیز هیچ مؤسسه، سازمان یا مرکزی، مسؤلیت ایجاد تکنولوژیهای مناسب در مناطق روستایی را برعهده ندارد. مضافاً این که در مورد اثرات به کارگیری تکنولوژیهای وارداتی نیز،

تحقیقات منسجمی صورت نمی‌گیرد. بنابراین، باید اولاً، زمینه‌های ایجاد تکنولوژی مناسب را در مناطق روستایی فراهم نماییم. ثانیاً، مؤسسه یا سازمانی، وظیفه ایجاد ترویج تکنولوژی مناسب را با توجه به نیازهای واقعی روستاییان و براساس شرایط اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی، برعهده بگیرد. این امر مستلزم ایجاد شعبه‌های فراوانی از سازمان مذکور، در مناطق روستایی است و از عهده سازمان مرکزی به تنهایی برنمی‌آید. ثالتاً سیاست توسعه تکنولوژیهای مناسب، براساس استراتژیهای کلان توسعه روستایی و توسعه کشور، اتخاذ شود. رابعاً به تحقیقات کاربردی در مورد اثرات بکارگیری تکنولوژی مناسب و مناسب‌کردن تکنولوژیهای معرفی شده، به طور منظم پرداخته شود.

با توجه به رسالتی که وزارت جهادسازندگی، در زمینه توسعه روستایی برعهده دارد، پیشنهاد می‌شود مرکز تحقیقات روستایی این وزارتخانه، همه فعالیت‌های خود را در این زمینه متمرکز نماید.

## ۶- همسو کردن (یک کاسه کردن) تلاش سازمانها و بخشهای دولتی عمومی و خصوصی مرتبط با روستا

یکی از عوامل بازدارنده، در برنامه‌های مختص توسعه روستایی در جهان سوم، عدم هماهنگی لازم و کافی بین سازمانهای دولتی، خصوصی و نهادهای مردمی و عمومی دخیل در این برنامه‌ها می‌باشد. بطوری که گهگاه، نارساییهایی چون، انجام کارهای واحد، توسط سازمانهای مختلف (موازی کاری) و تکرار کارها، توسط سازمانهای گوناگون (دوباره کاری) و انجام اموری با اولویتهای پایین به جای انجام کارهای ضروری و مورد نیاز و اولویت دار، معمولاً مشاهده می‌شود. برای مقابله با این نارساییها، دو راه وجود دارد: اول، تمرکز کلیه فعالیتها در یک وزارتخانه یا سازمان واحد که با توجه به شرایط حاکم بر این کشورها، این تمرکز، مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی را به دنبال خواهد داشت. دوم، راه‌حلی که منطقی‌تر و کاربردی‌تر به نظر می‌رسد، تمرکز سیاستگذاری برنامه‌های توسعه روستایی مناطق و نواحی مختلف کشورها با مشارکت فعال نمایندگان نهادهای مردمی عمومی و مؤسسات دولتی و

خصوصی در منطقه می‌باشد. اجرای مناسب سیاستهای متخذه، توسط مجمع فوق، مستلزم تفکیک وظایف دقیق بین سازمانها و نهادهای دولتی، خصوصی و مردمی، اولویت بندی زمانی و مکانی طرحها و برنامه‌ها و مشخص شدن مکانیزم ارتباط بین سازمانی است. در شرایط موجود، در مناطق روستایی کشورمان یا نهادهای مردمی و سازمانهای خصوصی تشکیل نشده‌اند. یا اگر هم تشکیل شده‌اند، دارای سازماندهی مناسبی نیستند، بنابراین ایجاد سازمانها و نهادهای مردمی و خصوصی جدید و تقویت نهادها و سازمانهای موجود، بر هماهنگی بین آنها ارجح است.

## ۷- برنامه‌های توسعه روستایی باید از خاصیتی همه‌گیر و همه جانبه مرتبط با تلفیقی برخوردار باشد

براساس این خط مشی، برنامه‌های توسعه روستایی، باید براساس منافع همه اقشار جامعه، زنان، مردان، نوجوانان، جوانان، میان سالان، بزرگسالان، زارعین (خرده‌پا، متوسط، بزرگ مالک)، خوش‌نشینان، دامداران و ... طرح ریزی گردد. ماهیتاً این برنامه، دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره است و از این نظر، با خط مشی‌های تک بعدی، تفاوت بسیار دارد. علاوه بر همه‌گیر و همه‌جانبه بودن، برنامه‌های توسعه روستایی باید، براساس شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم هر منطقه و نیازهای واقعی آنان، طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شود. بنابراین، براساس این خط مشی، ارتقای استانداردهای زیستی در همه مناطق روستایی، برای همه نیازمندان، از اولویت خاصی برخوردار است. برای تحقیق این امر، لازم است در برنامه‌های توسعه روستایی، از تمرکز افراطی پرهیز شود و سعی بر انتقال بیشتر این مراکز، به سطوح پایین گردد، تا برنامه‌ها، به طور یقین در ارتباط با نیازهای واقعی مخاطبین آن، طرح‌ریزی و اجرا گردد.

## ۸- ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی کشاورزی و روستایی و جذب نیروهای مازاد بخش تولید کشاورزی و روستایی

به دلایل ذیل، گسترش صنایع تبدیلی در برنامه‌های توسعه روستایی کشورمان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

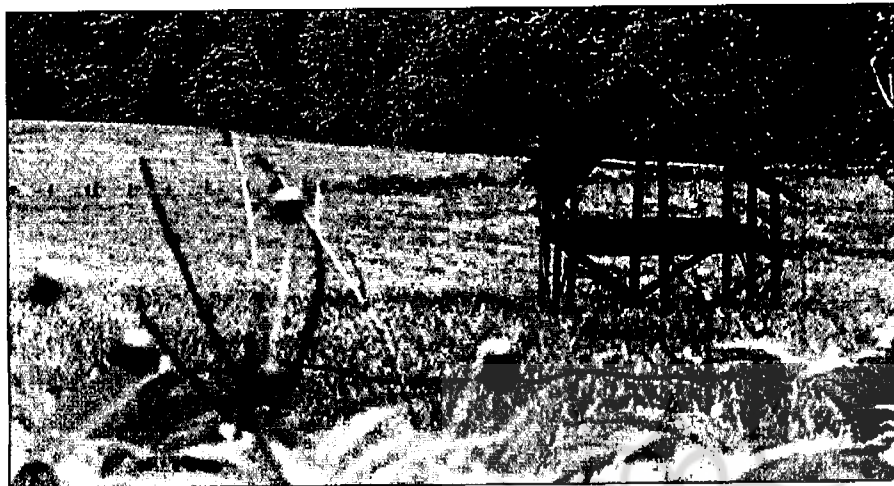
الف - با افزایش روزافزون جمعیت روستایی و محدود بودن منابع تولید، درصد بیکاری به خصوص در بین قشر جوان روستا، افزایش می‌یابد. بنابراین، باید طوری برنامه‌ریزی شود، که زمینه‌های اشتغال این جمعیت پرشور و فعال در مناطق روستایی فراهم شود، تا از مهاجرت بی‌رویه این قشر به شهرها و گسترش مشاغل کاذب در شهرها و مشکلات مبتلا به آن جلوگیری و موجبات تقویت تولید، در بخش فراهم شود. یکی از اقدامات مهم و ضروری در این راستا، ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و روستایی، در این مناطق است، که هم موجبات به کارگیری نیروهای فعال مازاد (بخش فراهم) شود و هم ارزش افزوده بخش، ارتقاء یابد.

ب - با تبدیل تدریجی نظام سنتی تولید، به نظام تولید مدرن و مکانیزه، درصد اشتغال، در بخش تولید کشاورزی به طور مرتب کاهش می‌یابد. بنابراین، علاوه بر فشارهای ناشی از افزایش جمعیت بر اشتغال که اشاره شد، خارج شدن درصدی از شاغلین فعلی نیز مزید بر علت خواهد شد و ضرورت سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع تبدیلی و روستایی را دوچندان می‌کند.

ج - افزایش تولید در بخش به خاطر استفاده از تکنولوژی مناسب و اصلاح روشهای تولید و ... ایجاد می‌نماید، به منظور جلوگیری از ضایعات تولید اضافی و ارتقای ارزش افزوده تولید بخش کشاورزی، در زمینه صنایع تبدیلی و روستایی، بیش از پیش سرمایه‌گذاری صورت بگیرد.

### ● نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

در طول دهه‌های گذشته، دانشمندان برداشت‌های متفاوتی از توسعه به طور اعم توسعه روستایی به طور



روستایی کشورمان، مختصراً تشریح شود. این استراتژی به استراتژی رنسانس روستایی مشهور است. نتیجه کلام این که، ما در برنامه‌های توسعه روستایی، توفیق نخواهیم یافت؛ مگر این که، ۱ - در راستای زدودن فقر آموزشی از جوامع روستایی، در زمینه‌های آموزشهای رسمی (عمومی - تعلیمات اساسی و ...) و غیررسمی (حرفه‌ای، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و ...) به طور وسیع و جدی اقدام نماییم.

۲ - فرهنگ کشاورزی پایدار و توسعه پایدار را به کمک نظام ترویج به روستاها منتقل کنیم.

۳ - در برنامه‌ریزیهای توسعه روستایی، از تمرکز افراطی پرهیز نماییم و تصمیم‌گیری را به سطوح پایین‌تر (مناطق) واگذار نموده، بر برنامه‌ریزی یکپارچه منطقه‌ای تاکید کنیم.

۴ - زمینه‌های مشارکت واقعی روستاییان به ویژه رهبران اجتماعی و مذهبی را در برنامه‌های توسعه روستایی فراهم نماییم (مشارکت در طراحی برنامه، اجرا و ارزشیابی آن)

۵ - در زمینه‌های ایجاد، ترویج و توسعه تکنولوژی مناسب روستایی براساس نیازها و شرایط مناطق مختلف، اقدام نماییم.

۶ - فعالیت کلیه سازمانها و بخشهای دولتی،

اخص ارائه نموده‌اند. براساس برداشت‌های متفاوت، استراتژیهای مختلفی نیز برای تحقق توسعه روستایی در کشورهای گوناگون بکار گرفته شد. استراتژیهای اولیه، عمدتاً تک بعدی بود. و مهمترین عنصر توسعه که همان انسان است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل طولی نکشید که آثار شکست این استراتژیها برای همگان روشن شد و برخلاف تلاش چند دهه گذشته، توسعه روستایی به معنای واقعی، در بسیاری از کشورهای جهان، اتفاق نیفتاده است. پس از این تجارب نسبتاً ناموفق، دوران بازنگری به مفاهیم و برداشتهای توسعه روستایی فرا رسید. در این مقطع با بهره‌گیری از نقاط قوت و ضعف استراتژیهای گذشته، سعی شد مدلی ارائه شود که ضمن داشتن تفاوت ماهوی با مدل‌های متعارف از چنان پشتوانه‌های علمی و قوی برخوردار باشد که از کلیه ایرادات وارده بر استراتژیهای گذشته بری باشد. براساس این استراتژی، هدف نهایی توسعه، باید انسان و رسد و تعالی همه جانبه او، در ابعاد مادی و معنوی باشد. بنابراین باید استراتژی توسعه را از ابعاد مختلف مورد توجه قرار داد و برای تحقق اهدافش خط و مشی‌هایی را در پیش گرفت. در این مقاله سعی شده است اساسی‌ترین این خط مشی‌ها با توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جوامع

محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست ۱۳۶۵  
 ۱۱- کاظم ودیعی. مقدمه‌ای بر محیط‌شناسی، کاظم ودیعی. انتشارات بهیانی، ۱۳۷۲  
 ۱۲- احمد کتابی، نظریات جمعیت‌شناسی. انتشارات اقبال، ۱۳۷۰  
 ۱۳- کنراد کونتس، هشت گناه انسان متمدن، ترجمه محمود و فرامرز بهزاد، انتشارات کتاب زمان، ۱۳۵۸

۷- جی، تی، میلر، زیستن در محیط زیست، ترجمه مجید مخدوم، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۱  
 ۸- کنت وات. میانی محیط زیست. مترجم عبدالحسن وهاب زاده. جهاد دانشگاهی فردوسی مشهد ۱۳۷۲  
 ۹- قدیمی - محمدرضا محیط زیست تعادل بین انسان و طبیعت. مجله جهاد شماره ۱۶۱۰ خرداد ۱۳۷۲  
 ۱۰- بهرام سلطانی، کامبیز، مقدمه‌ای بر شناخت

بقیه از صفحه ۳۳

دوم را دارند و مسائل ارتباطی و تکنولوژی و متفرقه در پایین ترین مقیاس قرار دارند. عبارتی در اکثر کشورها کارکنان صحرایی ترویج فاقد وسایط نقلیه کافی برای دسترسی به کشاورزان هستند، همچنین کارکنان ترویج فاقد آموزشهای مربوط به روشهای آموزشی ترویج و مهارت ارتباطی هستند. این مطالعه نشان می‌دهد که باید از روشهای ترویجی که از اتکای کارکنان ترویج به وسایط نقلیه می‌کاهد، استفاده بیشتری نمود.

همچنین باید ابزار ارتباطی و وسایل کمک آموزشی در اختیار کارکنان باشد، تا بتوانند از آموزشهای گروهی و ارتباط جمعی بهتر استفاده کنند. خوشبختانه در ایران چند سالی است که اهمیت این نظام آموزشی برای مسئولین روشن شده است، اما متأسفانه هر چند تحقیقات رشد مناسبی داشته است، اما ترویج نتوانسته است پایه پای آن رشد داشته باشد. از طرف دیگر در ایران ارتباط مناسب بین ترویج و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی، جایگاه واقعی خود را در سازمانهای ترویجی پیدا نکرده است.

مدیران و سرپرستان ترویج در استانها و شهرستانها باید از فارغ التحصیلان رشته ترویج باشند، تا بتوانند به طور غیر متمرکز برنامه ریزی نمایند. در برنامه ریزی غیر متمرکز استفاده مطلوب تری از نیروهای بومی و امکانات منطقه‌ای می‌شود. و در نهایت این که ترویج برای موفقیت در کشور نیازمند یک قانون مسدود است، تا بتواند در سایه آن برنامه‌های خود را توجیه نماید و بودجه‌ای مناسب دریافت نماید.

فرجادی، غلامعلی، جلد اول انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰.

۴- حسینی، سید محمود. نقدی بر استراتژیهای بکار گرفته شده در توسعه روستایی، ارائه شده بد چهارمین کنفرانس روستا، رشد و توسعه وزارت جهاد سازندگی، مشهد، ۱۳۶۶ (مجموعه مقالات منتشر شده است).

۵- حیدری، علیقلی، تعیین نیازهای آموزشی مروجین... پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران ۱۳۷۲.

۶- درویش، کریم و کریمی محمد توسعه تکنولوژی مناسب روستایی. گزارش از انستیتوی مهندسی تکنولوژی روستایی. اسد آباد هندوسان. مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی ۱۳۶۳.

۷- زمانی پور، اسدالله، ترویج کشاورزی در فرایند توسعه، بانبر مؤلف، ۱۳۷۰

۸- سوماخر، ای. اف. کوچک ریاست، (اقتصادی با ابعاد انسانی) ترجمه علی رامپر، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۰

۹- ضیائی، اسماعیل، توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲

۱۰- قتی، زهره. تکنولوژی مناسب کشور در حال توسعه، ماهنامه علمی - اقتصادی، اجسام، جهاد شماره ۱۶۸ سال ۱۳۷۲

۱۱- کرمی، عزت‌الله و فانی، سید ابوالقاسم، بررسی نظریه بردارها در ترویج، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، جلد دوم ۱۳۷۲

۱۲- گزیده مقالات روستا و توسعه، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی شماره دوم، فروردین ۱۳۶۸

۱۳- سعیدی، سعیدی، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت، و سازمان وزارت کشاورزی دفتر تحقیقات و تلفیق، ۱۳۷۰

۱۴- هیران دی، دیاس و بی دلیو، ای. ویکر اما، ایک، در ستاره برنامه ریزی و توسعه روستایی، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۶۸

15 - CAB ABSTRACT sing - RY 1987 - 1989

عمومی و خصوصی را براساس اولویتهای اتخاذ نشده در برنامه‌های توسعه روستایی، منطقه‌ای، همسو و هم‌جهت نماییم.

۷- در برنامه‌های توسعه روستایی، منافع همه اقشار (مردان، زنان، جوانان، میان سالان، نوجوانان، زارعین (خرده یا، متوسط، بزرگ مالک) دامداران، خوش نشینان و غیره مورد توجه قرار گیرد.

۸- در زمینه ایجاد و گسترش صنایع تبدیل کشاورزی و روستایی به منظور جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی، بیش از پیش سرمایه‌گذاری صورت گیرد.

در پایان لازم به ذکر است که خط مشی‌های مذکور، تنها خط‌مشی‌های مذکور مورد نیاز برای برنامه‌های توسعه روستایی در کشورمان نیستند. برای تحقق توسعه متناسب با شرایط و امکانات ضروری است، خط و مشی‌های دیگری نیز، اتخاذ گردد. که در این مختصر از ذکر همه آنها خودداری شده و تنها به بررسی مهمترین خط‌مشی‌ها اکتفا شده است.

امید است، مسئولین و دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه روستایی کشور، همه ابعاد توسعه و خط‌مشی‌های حاکم بر آنها را همچون اجزای یک سیستم واحد، مورد توجه قرار دهند، تا انشاءالله برنامه‌های توسعه روستایی کشورمان با موفقیت، قرین باشد.

● فهرست منابع و مأخذ مورد استفاده

۱- ازکرا، مسدقی مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۳  
 ۲- استراتژیهای توسعه روستایی، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی ۱۳۶۳  
 ۳- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه